



ماندگار شد. آن سال‌ها خاطرات کوچک و بامزه هم کم نداشت. مثلاً گاهی سقف‌های کاذب بخش به خاطر لرزش ترانس لامپ‌های مهتابی صدای ویزو ویز آزار دهنده‌ای ایجاد می‌کرد. من با گوشه کاور فلزی پرونده ضربه‌ای به سقف می‌زدم و صدا قطع می‌شد. یک روز که برای جلسه از بخش بیرون رفته بودم، برگشتم و دیدم یکی از همکاران با پرونده به سقف می‌کوبد اما صدا قطع نمی‌شود. کمی بعد فهمیدیم اصلاً مشکل از سقف نیست؛ یکی از بیماران در اتاق روبه‌روی ایستگاه پرستاری با ماشین موزر صورتش را اصلاح می‌کرد و صدایش در کل راهرو پیچیده بود!

همان ماجرا مدت‌ها سوژه خنده همکاران شد؛ خنده‌هایی که خستگی روزهای سخت کار را کمی سبک‌تر می‌کرد. و حالا هر وقت به آن روزها فکر می‌کنم، هنوز تصویر همان راهروهای نیمه‌ساز، تل‌های خاک محوطه و روپوش سفیدی که در اولین روز پوشیدم در ذهنم زنده می‌شود؛ روپوشی که بعدها فهمیدم نخستین روپوش سفید بیمارستان تأمین اجتماعی یزد بوده است.



پرستاری که در نخستین روزهای راه‌اندازی بیمارستان تأمین اجتماعی یزد پا به ساختمان نیمه‌ساز گذاشت و بی‌آنکه بداند نخستین روپوش سفید این مرکز درمانی خواهد شد

بعد به‌عنوان ماما در همان بیمارستان استخدام شد. اسفند همان سال، یعنی ۱۳۷۴، با حمایت مرحوم دکتر نوربخش با هم ازدواج کردیم.

در روزهای نخست راه‌اندازی بیمارستان، بخش سی‌سی‌یو با حدود دو ماه تأخیر افتتاح شد. چون نیروی تخصصی کم بود، کسانی مثل من که سابقه کار در بخش‌های ویژه داشتیم، شیفت‌های طولانی و پشت سر هم می‌دادیم.

یک شب حوالی ساعت دو و نیم بامداد تنها پشت مانیتور مرکزی نشسته بودم که تلفن سی‌سی‌یو زنگ خورد. گوشی را برداشتم. صدای آهسته‌زنی از پشت خط گفت:

«سلام-منتظرم-»

متعجب گفتم: «بله؟»

دوباره گفت: «منتظرم-»

با خودم فکر کردم شاید با یکی از همکارانم قرار دارد! گفتم:

«ببخشید، اگر با همکارم کار دارید الان استراحت می‌کنند.»

بار سوم گفت:

«آقای دشتی‌زاد، من دکتر منتظر هستم-اینترن دانشگاه آزاد.»

تازه فهمیدم چه سوتی بزرگی داده‌ام. خانم دکتر منتظر آن زمان دوره اینترنی می‌گذراندند و نیمه‌شب از اورژانس برای پذیرش بیمار قلبی به سی‌سی‌یو تماس گرفته بودند. امروز هم ایشان در تهران از متخصصان خوب ارتوپدی هستند.

سال‌های ۱۳۷۸ و ۱۳۷۹ اوج فعالیت بیمارستان بود؛ زمانی که تلاش کردیم گواهینامه استاندارد ایزو ۹۰۰۰ را از مؤسسه «TUF» آلمان دریافت کنیم. سرانجام موفق شدیم و بیمارستان تأمین اجتماعی یزد به‌عنوان نخستین بیمارستان جنرال ایران این گواهینامه را گرفت؛ افتخاری که برای ما و همکارانمان